چهارمین همایش بین‌المللی دانشجویان
4th International Conference
Literature, History and Cultural Studies Students
ادبیات، تاریخ و مطالعات فرهنگی
www.lci.cdsts.ir

تأثیرات شاهنامه فردوسی در ترویج فرهنگ ایرانی

زهرا صمدی سیلابی*،۱، روژان دربازی ینگجه۲، معصومه جلیل زاده۳

۱ـ دبیر مطالعات اجتماعی، لیسانس آموزش علوم اجتماعی samadisilabizahra@gmail.com

۲ـ دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات دانشگاه پیام نور ارومیه rojandarbazii@gmail.com

۳ـ دبیر ادبیات، فوق لیسانس ادبیات Masoumeh.jalilzadeh79@gmail.com

چکیده

در این مقاله سعی شده است، میزان تأثیری که شاهنامه فردوسی در فرهنگ و تمدن و گسترش زبان فارسی در ایران و حتی خارج از مرز های ایران داشته است بررسی شود. اولین گام در این پژوهش پیشینه تحقیق در مورد این موضوع بود که مقالات زیادی در این مورد به رشته تحریر گذاشته شده است. در بررسی هایی که میان مقالات مختلف صورت گرفت آشکار شد که شاهنامه فردوسی روی فرهنگ و تمدن ایران زمین تأثیر بسزایی داشته و داستان ها و افسانه هایی که در این کتاب آمده از فرهنگ چند هزار ساله ایرانی روایت می کند. همچنین این کتاب در ترویج ارزش هایی مانند عدالت، میهن پرستی و... اهمیت فراوانی داشته است. در ادامه به این موضوع پرداخته شد که شاهنامه در گسترش فرهنگ عامه و زندگی روزمره افراد تأثیر داشته و بیشتر ضرب المثل هایی که روزانه مردم استفاده می کنند منشأ آنها شاهنامه است. شاهنامه به موضوعاتی مانند نبرد همیشگی خیر و شر، نیکی کردن و ترویج دانش و خردورزی پرداخته و این مسائل را بااهمیت جلوه کرده است. همچنین شاهنامه در مورد تأثیری که روی هنر و ادبیات گذاشته نیز صحبت کرده و در این میان هنرهایی مانند خوشنویسی، نگارگری، هنرهای نمایشی مانند نقالی نیز مورد توجه واقع شده است. شاهنامه روی ادبیات ایران نیز تأثیر گذاشته است. در پایان این کتاب ارزشمند بر وحدت میان اقوام مختلف ایران تأثیر گذاشته و به وسیله این کتاب اقوام مختلفی مانند ترک و کرد و فارس و... با همدیگر اتحاد کرده اند. به طور کلی نتیجه ای که این مقاله دارد این است که فردوسی و کتابش شاهنامه تأثیر بسزایی در جای جای زندگی مردم ایران و حتی خارج از مرز های این کشور داشته و تأثیر آن غیر قابل انکار است.

کلمات کلیدی: شاهنامه، فردوسی، فرهنگ، تأثیر، جامعه

مقدمه

حماسه یکی از قدیمی ترین ژانر های ادبی جهان به شمار می رود و نزد اقوامی یافت می شود که تاریخ و تمدن کهن دارند. مردم سرزمین هایی چون ایران ،هند و یونان از جمله کسانی هستند که حماسه سرایی در میان آنان رواج داشته است. شاهنامه فردوسی حماسه ملی ایران یا به عبارتی دیگر حماسه طبیعی است.این اثر ارزشمند از هزاران سال پیش ارزش و جایگاه والای خود را در بین مردم حفظ کرده است. شاهنامه نه تنها تاریخ و افتخارات مردم ایران را زنده نگه داشته بلکه موجب تثبیت و حفظ زبان فارسی شده

است (نواب زاده شفیعی، ۱۳۹۸). تمدن در لغت به معنای شهرنشینی آمده که تنها به معنای اجتماع انسانی در یک منطقه با خانه ها و خیابان ها و... نیست، بلکه مدنیت به معنای وجود قوانین مکتوب و مدیریت شهری است. بنابراین تمدن در اصطلاح، نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که در جامعه ویژه رخ می نماید. تمدن مجموعه ای پیچیده از پدیده های اجتماعی قابل انتقال، شامل جهات دینی و مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است (توکلی اوجانی و توکلی اوجانی، ۱۳۹۴). شاهنامه به عنوان شاخص ترین مجموعه حماسی ادبیات ایران و اوج تلاش فرهنگی ملی ایران، بخش عمده ای از افسانه و اسطوره های ذهن هر ایرانی را شکل می دهد که از کودکی با آن مأنوس شده و در دیگر عناصر هویتی آنان ریشه دوانیده است. از سوی دیگر نقش این سند در حفظ زبان فارسی و تاریخ ایران «یعنی دو عمال بنیادی هویت ملی» در شرایط بحرانی جامعه ایران و پس از آن، دلایل لازم برای شناخت عناصر بنیادین هویت ایرانی را در این اثر فراهم می آورد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱). شاهنامه فردوسی با روایت گذشته ایرانیان بخش زیادی از عناصر هویت ایرانی را به زمان حال انتقال داده است. فردوسی نهاد سیاسی را نگهبان آزادی و استقلال ایران زمین می داند. در واقع، او با توجه به شرایط زمان خویش و غلبه عرب ها به ایران، ایده سیاسی خود را در قالب شاه آرمانی بیان کرده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱). همان طور که گفته شد شاهنامه فردوسی به عنوان حماسه ملی شناخته می شود و نقش محوری در شکل گیری ،تداوم و تقویت ملی ایرانیان ایفا کرده است .در مجموع ،شاهنامه به عنوان یک سند تاریخی و فرهنگی ،هویت ملی ایرانیان را در ابعاد مختلف از جمله هویت تاریخی، فرهنگی، زبانی، اخلاقی، اسطوره ای و اجتماعی به تصویر کشیده و به تقویت آن کمک کرده است (دهقانی قلعه سرخ، ۱۴۰۳). یکتا پرستی در شاهنامه رمز وحدت فردی، در حراست از کرامت انسان و توجه به درون؛ وحدت جمعی در حراست از آرمان های مقدس ملس و توجه به بیرون؛ و وحدت فطری در توجه به معنا در موضوعات مادی است. اندیشه ی توحیدی مرزبندی بشری را جز در تفهیم «و قبائل لتعارفوا» بی اعتبار می کند و شاهنامه مجالی برای ظهور این اندیشه توحیدی است (محرمی و همکاران، ۱۳۹۵). کلام فردوسی سرشار از واژه ی فرهنگ می باشد و ترکیباتی هم با آن ساخته ست. خداوند فرهنگ، شاه فرهنگ جوی، فرهنگ جویان، فرهنگ یازان، فرهنگ گوی، فرهنگ دار ئ فرهنگیان (الطافی، ۱۴۰۱). شاهنامه فردوسی به حق شاهکار سخن پارسی، ترجمان تاریخ پرافتخار ایران و شناسنامه معتبری از پیشینه فرهنگی ملت ایران است. اعجاز شاهنامه محدود به زبان پارسی اش نیست؛ زیرا این حماسه در کنه خویش ظرافت های بسیاری فراتر از ادبیات دارد. از مهم ترین مسائلی که می توان در این میان بدان پرداخت، نگرش جامعه شناختی فردوسی به سیر تمدن بشر می باشد؛ بدان شرح که فردوسی با زبان شعر، روند پدید آمدن اجتماع ها و تمدن بشری را بیان نموده است (بذر افکن و روحانی، ۱۳۸۹). در شاهنامه نیز هنگامی که حکیم فردوسی درباره شخصیت های اشعارش صحبت می کند، وجوه شخصیت آنان را و همچنین روابط متقابلشان را با یکدیگر به خوبی نشان می دهد، تصمیم سخت قهرمانان و شاهان به قبول مرگ خود یا فرزندان خود، به زندگی ارزش و معنایی دیگر میبخشد. آنان ناچارند میان وفاداری و احساس مسئولیت نسبت به کسانی که دوستشان دارند و نسبت به اجتماع یزرگتر که به آن تعلق دارند یکی را برگزینند (اشرف زاده و براتی، ۱۳۹۰). بی تردید شاهنامه فردوسی گران ترین و ارزشمند ترین سند هویت ملی فرهنگی و اجتماعی قوم ایرانی است.این اثر سترگ، با حفظ هویت ایرانی توانسته است در دل تمدن اسلامی نفوذ و ارزش های انسانی مشترک میان ایران پیش از اسلام و اسلام پس از فتح ایران را به تصویر بکشد .شاهنامه مجموعه باور ها ،اندیشه ها،اعتقادات و داشته های است که فردوسی از منابع مختلفی گردآوری کرده که دسترسی به آنها امروزه بسیار دشوار و گاه ناممکن است و زبان فارسی وام دار تلاش های فردوسی در بقا آن است ،زبانی که محدوده و قلمرو کاربرد آن بسیار گسترده و گسترده باقی مانده است (ستوه و همکاران، ۱۴۰۲). در کل شاهنامه اثری فاخر است

که در جای جای خود مظاهری از فرهنگ و ادب ایرانی را گنجانده است و علاوه بر آن ارزش های اجتماعی ایرانی را به جهانیان گوشزد می کند. در این پژوهش سعی شده است، تأثیراتی که شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی بر فرهنگ ایران و ایرانی داشته، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

آچاک و نارویی (۱۴۰۲)، در مقاله خود ذکر کرده اند که آموزه های فکری و مبانی اندیشگی شاهنامه بهترین نمونه و الگو برای بنیاد جامعه ای مطلوب و آراسته به اصول انسانی است. همچنین بیان داشته اند که کارکرد های زبانی شاهنامه و دامنه ظرفیت سازیهای زبانی و دغدغه های ارزنده چهره ماندگار فرهنگ ایران برای پی ریزی بستری از عناصر و امکانات و نامها و واژه های اصیل فارسی، از وجوه اهمیت حماسه ملی است. گیلانی (۱۳۹۸)، در پژوهشی که انجام داده بازتاب فرهنگ ایران باستان را در دوره غوریان براساس شاهنامه فردوسی را مورد بررسی قرار داده و نتایج این پژوهش نشان می دهد که غوریان در زمینه هایی مانند: نام و نسب، اندیشه سیاسی، مراسم استقبال از سفرا، جشن های هفت روزه، عزاداری هفت روزه، شادکامی و رجزخوانی در جنگ با شاهنامه فردوسی و ایرانیان باستان اشتراک فرهنگی داشتند. تمیم داری (۱۳۸۸)، تأثیر شاهنامه فردوسی را برا آثار حماسی غرب را مورد بررسی قرار داده و نتایجی که به دست آمده نشان دهنده آن است که افرادی چون ویلیام جونز، ماتیو آرنولد، ژول مول و... تأثیر بسزایی از فردوسی پذیرفته اند و این تأثیرگذاری در آثار این افراد مشهود است. پژوهش میرزائی (۱۳۹۱)، از نوع پژوهش های کیفی است که در آن با استفاده از روش تطبیقی و روایی مضامین نقوش سفال های دوره سلجوقی با روایات موجود در شاهنامه فردوسی مقایسه و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. در نهایت مشخص می گردد که شاهنامه فردوسی تأثیر عمیقی بر سفالگران این دوره و در نتیجه نقوش سفال ها داشته است.

حفظ هویت ملی و فرهنگی

شاهنامه فردوسی، به عنوان شاهکار حماسی و ملی ایران، سرشار از اشاره هایی به فرهنگ و تمدن ایرانی است. فردوسی با ظرافتی باورنکردنی توانسته است این عناصر را در سرتاسر این اثر فاخر بگنجاند. به عنوان مثال، فردوسی در همان آغاز، هدف خود را زنده کردن فرهنگ و ادب تاریخ ایران بیان داشته است:

بسی رنج بردم در این سال سی　　عجم زنده کردم بدین پارسی

این بیت به صراحت بیان داشته است که فردوسی در طی سی سالی که مشغول کتابت این کتاب بوده قصد احیای فرهنگ و زبان ایرانی «عجم» را داشته است. و یا در بخشی از کتاب به جشن ملی نوروز اشاره می کند:

چو خورشید از چرخ برج حمل　　برآمد، به جشن نشستند بل

در بخش پهلوانی، فردوسی به شرح دوران ساسانیان و شکوه تمدن ایرانی در آن دوره میپردازد. آیین هایی مانند «سوگند یاد کردن به نام خدا» و «رعایت اخلاق در نبرد» از این جمله اند. فردوسی با روایت تاریخ اساطیری، پهلوانی و تاریخی ایران، توانسته است هویت، زبان و فرهنگ ایرانی را جاودانه کند. او با حفظ اساطیر، افسانه ها و تاریخ ایران باستان که ممکن بود به فراموشی سپرده شود

توانست این اثر را خلق کند. فردوسی از زبان خسرو پرویز خطاب به فرستادن فرزندش شیرویه مطالبی بیان کرده است که زوال حکومت ساسانی و به باد رفتن تاج و تخت ایران حکایت می کند. ایت ابیات از نگاه ملی و مهر به میهن حائز اهمیت است (نوذزی و قره بگلو، ۱۳۹۳):

بخواهد شدن بخت از این دودمان — نماند درین تخمه کس شادمان

سوی ناسزایان شود تاج و تخت — تبه گردد این خسروانی درخت

نماند بزرگی به فرزند من — نه بر دوده و خویش و پیوند من

همه دوستان ویژه دشمن شوند — بدین دوده بدگوی و بدتن شوند

فردوسی در کتاب خود شاهنامه توجه زیادی به هویت ایرانی کرده است و بخشی از این کتاب نامه رستم به برادرش که در مورد احساس میهن دوستی است به صورت آشکارا بیان داشته است. فردوسی وقایع سیاسی و اجتماعی ایران را به صورت افسانه هایی آورده است که جذابیت این کتاب را دو چندان می کند. این منظومه بزرگ، از یک سو ما را از باور های رایج در ایران باستان آگاه می کند و «مانند حلقه ای است که دو فرهنگ پیش از خود و پس از خود را با یکدیگر پیوند داده است (خالقی مطلق، ۱۳۸۸).

ترویج ارزش های فرهنگی

حکیم فردوسی در شاهنامه از مفاهیم بنیادین مانند عدالت، آزادی، میهن پرستی، پایداری در برابر ظلم و ستم و یاری به همنوعان بحث به میان آورده است، و همچنین از دانش و خردورزی و فرهیختگی و جوانمردی پاسداری می نماید. در ابیات بی شماری ارزش های فرهنگی را بیان داشته است که ترویج این ارزش ها باعث پایداری وطن و ملت آن می شود و این خود باعث استحکام و صلابت یک کشور است. در واقع می توان گفت که عدالت، ستون فقرات اندیشه فردوسی و مفهوم کلیدی شاهنامه است. به عنوان نمونه می توان به داستان کاوه آهنگر و ضحاک اشاره کرد که به عنوان نمونه بارز مفهوم عدالت در این کتاب آمده است. این داستان، نمادین ترین و قوی ترین اشاره به مبارزه با ستم و طلب عدالت است. کاوه به نمایندگی از مردم ستم دیده برمی خیزد و «درفش کاویانی» را برمی افرازد که نماد عدالت خواهی و مبارزه با ظلم است. فردوسی با قدرت از این قیام مردمی دفاع می کند.

بکندند پس پیشبند کهنگ — برآویختندش بر سر به خنگ

که ما را درفش کاویان این بود — برو انجمن گشت ایران این بود

همی رفت کاوه به بازارگاه — جهانجوی و بر سرآورده کلاه

همی خواند بر نامداران سپاه — که «ای نامداران و آزادگان

که باشید بر کینه کردن روا — که این بنده را دستگاه شماست

سر جان ما جمله درگاه شماست».

تأثیر بر فرهنگ عامه و زندگی روزمره

فردوسی و شاهنامه اش تأثیر بسزایی در فرهنگ عامه داشتند. به طوری که نه تنها در ادبیات، بلکه در هویت، زندگی روزمره، زبان و باورهایی که عامه مردم داشتند، تأثیر گذاشته بود. فردوسی با خلق شاهنامه توانست زبان و ادبیات فارسی را زنده نگه دارد و آن را از نابودی نجات دهد. فردوسی همچنین با خلق قهرمانان و ستمگران به این اشاره داشت که دنیا همیشه به وسیله ظلم و ستم اداره نمی شود و قهرمانانی هم هستند که مردم را از شر ستمگران و ظالمان نجات می دهند و با این کار شمع امیدواری را در دل مردم روشن نگه داشت. در میان ضرب المثل های فارسی که بخشی از ادبیات گران سنگ عامه را تشکیل می دهد و بیانگر تدابیری است که ایرانیان در حیات جمعی خویش اتخاذ کرده اند، سیمای باور به منشأ اثر بودن سخن به روشنی نمایان است (وجدانی، ۱۴۰۱). در اینجا به چند مورد از ضرب المثل های موجود در کتاب شاهنامه که عامه مردم از آنها استفاده می کنند اشاره می شود:

ـ نابرده رنج گنج میسر نمیشود.

ـ چو نیک و بد اندر گذر با شدت.

ـ دشمن دانا بلندت می کند، نادان پست.

ـ گر تو می خواهی که نامت بلند باشد، راستی پیشه کن.

ـ جهان را بلندی و پستی است.

ایجاد یک چارچوب اخلاقی جهانی

شاهنامه فردوسی یک شاهکار ملی است ولی تأثیراتی نیز بر فرهنگ غیر ایرانی داشته است و به همین علت یک اثر فراملی و جهانی محسوب می شود. فردوسی در شاهنامه در مورد مسائلی حرف به میان آورده که مفاهیمی جهان شمول هستند و در همه جای جهان به این مفاهیم ارزش فراوانی داده می شود. مفاهیمی که فردوسی در شاهنامه به آنها اشاره دارد عبارتند از:

نبرد همیشگی خیر و شر

در شاهنامه فردوسی داستان هایی آمده که در آنها یک نبرد همیشگی بین خیر و شر وجود دارد. در این نبرد ها پیروز همیشگی میدان خیر است و این نشان دهنده آن است که خیر همیشه پیروز است و شر نمی تواند بر آن برتری یابد. یکی از برجسته ترین شعر های شاهنامه که در مورد مبارزه خیر و شر است در مورد داستان نبرد رستم با اژدها است. این نبرد نمادی از پیکار انسان نیک (رستم) با هیولای درون و بیرون (اژدها) است:

بینداخت گرز گران بر سرش/ که از درد گرز بجنبد برش

چو روشن دلیر از کمین برجست/ برآورد شمشیر و بکندش به دست

بزد نیزه بر دیده اژدها/ که شد تیره چشم سیاه اژدها

اهمیت خردورزی و دانش

فردوسی در شاهنامه خود نه تنها به جنگ ها و دلاوری ها بلکه به دانش و خردورزی نیز پرداخته است. در نگاه فردوسی دانش تنها یادگیری معلومات نیست، بلکه ترکیبی از خردمندی، تجربه، آینده نگری، اخلاق و ... است که انسان را کمال می رساند. شاهنامه با ستایش دانش و خرد آغاز می شود. فردوسی در دیباچه خود، خرد را راهنمای انسان برای عبور از تاریکی ها بیان کرده است:

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

فردوسی همچنین در شاهنامه خود از افرادی نام برده که از خرد و دانش والایی برخوردار بودند. قهرمانانی مانند کیخسرو و رستم که به عنوان افراد خردمند از آنها نام برده شده و همچنین ضد قهرمانانی مانند ضحاک که از خرد و دانش برخوردار نبودند نیز در شاهنامه آمده است.

عواقب شوم غرور و خودخواهی

در داستان ضحاک و کاوه دادخواه آمده است که ضحاک پادشاهی ظالم و خودخواه بود و برای استحکام پادشاهی خویش دست به کارهایی می زد که سبب سلب اعتماد مردم نسبت به خویش شده بود. در این میان فردی به اسم کاوه برای اینکه کشور را از ظلم ضحاک رهایی بخشد، از ضحاک دادخواهی کرد و در نهایت باعث از بین رفتن پادشاهی ضحاک ظالم شد.

گذرا بودن جهان و نیکویی کردن

فردوسی در شاهنامه بیان داشته است که نیکویی کردن پایه و اساس یک پادشاهی عادلانه است و پادشاهانی که با مردم خویش مهربان بودند، پادشاهی طولانی تر و مردم راضی تری داشتند. با توجه به این که این دنیا گذرا است و باید برای آخرت نیز توشه ای داشت نیکویی کردن لازمه این کار است. به عنوان مثال به گفته فردوسی در دوره پادشاهی جمشید هیچ بیماری ای وجود نداشت و همه در نیکویی و آرامش زندگی می کردند. این توصیف، اوج نیکویی یک فرمانروا با مردمش است.

تاثیر شاهنامه بر هنر های ایرانی

نقش شاهنامه در هنر ایران نه تنها گسترده، بلکه عمیق و ماندگار است .این اثر سترگ حماسی، الهام بخش بسیاری از هنرمندان در رشته های مختلف بوده و همچنان در آثار هنری ایران حضور پر رنگی دارد.

از جلوه های هنری مهم شاهنامه می توان به نگارگری (مینیاتور)، خوشنویسی، هنر های نمایشی ،کاشی کاری، معماری، ادبیات و موسیقی میتوان اشاره کرد .در ادامه به شرح برخی از این موارد پرداخته شده است :

نگار گری(مینیاتور)

شاهنامه فردوسی از جمله کتابهایی است که در ایران، مکرر به نگارگری تزیین می شده است و همواره سرچشمه الهام هنرمندان ایرانی به خصوص نقاشان قرار گرفته است.از دوران تاسیس کتابخانه ها و نگارخانه های سلطنتی در زمان پادشاهان یا شاهزادگان فرهنگ دوست، بهترین نگارگران عصر به تصویر پردازی نسخه های شاهنامه پرداخته اند.شاهنامه یک اثر حماسی و سرشار از حس و حرکت است و بهترین کتابی بود که صحنه های قهرمانی نقاشان بزرگ ایرانی را به هنر نمایی برانگیخته است. صورت خیال و تصویر آفرینی های فردوسی در کنار صراحت گفتار وی، جنبه روایی داشتن متن شاهنامه و مقبولیت عمومی آن، بستر و زمینه مساعدی برای به تصویر کشیدن موضوعات و رویداد ها فراهم آورده است (زارعی و امامی، ۱۳۸۹).

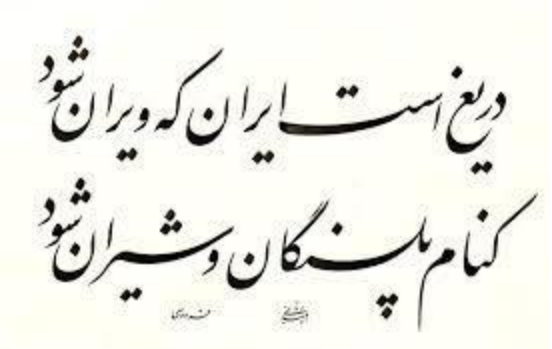
داستان های شاهنامه از قرن ها پیش در نسخه های خطی با نگاره های زیبا همراه بوده اند .از جمله صحنه های نبرد رستم و اسفندیار یا داستان سیاوش.



شکل ۱ـ نمونه ای از نگارگری، رزم رستم و سهراب

خوشنویسی

نقش شاهنامه فردوسی در هنر خوشنویسی ایران بسیار ژرف و الهام بخش بوده است .این اثر ارزشمند نه تنها گنجینه ای از زبان و ادب فارسی است ،بلکه بستری غنی برای تجلی هنر خوشنویسی نیز فراهم آورده است. شعر و خوشنویسی از دیرباز در فرهنگ ایرانی دو هنر هم افزا بوده اند. شاهنامه با زبان فاخر و روایت های حماسی اش الهام بسیاری از خوشنویسان برای خلق آثار هنری شده



است. خط نستعلیق که خود یکی از زیبا ترین خطوط ایرانی است ،اغلب برای نگارش ابیات شاهنامه به کار رفته و جلوه ای دو چندان به آن بخشیده است.

شکل ۲ـ نمونه از متن خوشنویسی شده شاهنامه با خط نستعلیق

هنر های نمایشی

تاثیر شاهنامه در هنر های نمایشی ایران پررنگ است .زیرا این کتاب علاوه بر آن که گنجینه ای از اسطوره ها و حماسه های ملی است .بلکه ساختار روایی ،شخصیت پردازی و عناصر دراماتیک آن ،زمینه غنی برای خلق آثار نمایشی فراهم کرده اند. از جمله هنرهای مهمی که شاهنامه در آن تاثیر داشته است می توان به موارد زیر اشاره کرد:

تعزیه و نقالی:نقالان ایرانی سال هاست که داستان های شاهنامه را با شور و هیجان بسیار برای مخاطبان اجرا می کنند.این سنت شفاهی ،نوعی نمایش تک نفره است که با حرکات ،صدا و روایت مخاطب را درگیر می کند.

تئاتر مدرن: بسیاری از کارگردانان ایرانی از داستان های شاهنامه برای خلق نمایش های صحنه ای استفاده کرده اند .برای مثال داستان رستم و اسفندیار یا سیاوش.

کاشی کاری: شاهنامه فردوسی با داستان های پرشور و شخصیت های اسطوره ای اش الهام بخش هنرمندان کاشی کار بوده تا صحنه های از این اثر جاودانه را بر سطح کاشی ها نقش کنند. جلوه های شاهنامه در کاشی کاری ایرانی شامل مواردی مثل تصویر گری پهلوانان ،کاشی کاری قهوه خانه ای و درباری ،ترکیب باچاپ سنگی و...بود. از اواخر دوره سلجوقی تا به امروز متن اشعار شاهنامه بر کاشی های زرین فام و مینایی نقش بسته یا تصاویری برگرفته از قهرمان های شاهنامه به تصویر کشیده شده یا تلفیقی از این دو در کاشی ها استفاده شده است (کهن نامه ادب پارسی، ۱۳۸۹).

واتسون ۲۱۰-۲۱۱(۱۳۸۲) معتقد است که در سده های ششم و هفتم ،اشعار شاهنامه غالبا بر روی کاشی های ستاره ای شکل ،دیده می شوند و در این زمینه به ابیات زیر اشاره می کند.

به نام خداوند جان و خرد // کزین برتر اندیشه بر نگذرد

خداوند نام و خداوند جای // خداوند روزی ده رهنمای

تاثیر شاهنامه بر ادبیات ایران

شاهنامه، اثر حماسی و جاودانه فردوسی ،یکی از مهم ترین و تاثیر گذار ترین آثار ادبیات فارسی، نقش بسزایی در شکل گیری و توسعه ادبیات فارسی پس از خود ایفا کرده است . «فردوسی با استفاده از زبان غنی و نثر موزون ،مفاهیم انسانی و اخلاقی را در قالب

داستان های حماسی به تصویر کشیده و به تقویت هویت ملی ایرانیان کمک کرده است .پس از او شاعران بزرگی چون نظامی ،سعدی و حافظ ،به نوعی تحت تاثیر شاهنامه قرار گرفته و از عناصر آن در آثار خود بهره برداری کرده اند .» (هادوی، ۱۴۰۳).

«بی تردید زبان فارسی مدیون شاعری چون فردوسی است. چه بسا اگر او نبود زبان فارسی دچار خدشه ای بزرگ می شد.بعد از سرایش شاهنامه و همچنین زنده شدن زبان فارسی ،یک زبان ملی به وجود امد که کنار زبان های و لهجه های محلی ،ابزار ارتباطات و زبان نگارش و آموزش و پرورش در مفهوم سنتی بوده است. پس از خلق شاهنامه زبان فارسی به عنوان پناهگاهی برای ایرانیان محسوب می شد .که با وجود تنوع قومی ،فرهنگی ،آداب و رسوم ،اختلاف شیوه های حکومتی و....،زبان حاکمان و مرد ایران شد. با سرایش شاهنامه ،زبان فارسی دری حیات گسترده ای یافت ،چرا که زبان به راستی آیینه خود آگاهی هویت و حیات و روح یک ملت است .» فردوسی درمورد شکوه شاهنامه می سراید:

چو این نامور نامه آمد به بن /زِمَن روی کشور بود پر سخُن

بسی رنج بردم در این سی سال/عجم زنده کردم بدین پارسی

هر آنکس که دارد هش و رای و دین /پس از مرگ بر من کند آفرین

از آن پس نمیرم که من زنده ام /که تخم سخن من پراکنده ام

نقش فردوسی و شاهنامه در وحدت بخشی بین اقوام ایرانی

وجود وحدت و همبستگی اجتماعی در جامعه یکی از لوازم مهم و ضروری برای حیات یک ملت است.

شاهنامه اثر مهم و ارزشمند فردوسی نقش کلیدی در وحدت بین ملت و اقوام ایرانی دارد.

هدف اصلی فردوسی از نظم شاهنامه ایجاد وحدت ملی در برابر بیگانگان است و علیرغم دشمنی ها و ناعدالتی هایی که درحق فردوسی بوده ، اثر او مورد استقبال ایرانیان قرار گرفت و اقشار مختلف ایرانی بدان توجه نمودند چنانکه مورخان، نویسندگان و شاعران در آثار خود از آن کتاب پر ارج یاد کردند حتی پادشاهان نیز به این منظومه سترگ عنایت داشتند تا جایی که سر سلسله ی دودمان صفوی شاه اسماعیل در کنار مذهب شیعه از آن به عنوان عاملی ملی در جهت یکپارچه ساختن اقوام ایرانی استفاده نمود (رازنهان و رستمی، ۱۳۹۷).

نتیجه گیری

شاهنامه یکی از شاهکارهای ادبی ایران می باشد که به قلم ابوالقاسم فردوسی نگارش یافته است. فردوسی در این کتاب به مسائل فراوانی پرداخته است. این کتاب علاوه بر این که از نظر ادبی حائز اهمیت است، از نظر تحکیم زبان فارسی، حفظ هویت ملی و فرهنگی، ترویج ارزشهای فرهنگی و اجتماعی، تأثیر بر هنر و ادبیات، فرهنگ عامه، نقش وحدت بخشی که در میان مردم بر جای گذاشته، هنر های سنتی و نمایشی، ایجاد یک چارچوب اخلاقی در جامعه و... اهمیت فراوانی دارد. این کتاب نه تنها در ایران بلکه

در کل جهان مورد توجه افراد بسیاری است و به عنوان یک میراث فرهنگی ارزشمند که از فردوسی بر جای مانده برای ایرانیان در سراسر جهان اهمیت فراوانی دارد.

منابع

۱ـ آچاک، ایوب، نارویی، مسعود، ۱۴۰۲، "تجلی فرهنگ باستان ایران در اندیشه و بیان هنری شاهنامه فردوسی"، نشریه پژوهش های نوین ادبی، ۲(۲)، ۲۰-۱

۲ـ الطافی، ابراهیم، ۱۴۰۱، "فرهنگ و فرهنگیان در شاهنامه فردوسی"، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۵۸، ۲۲۶-۲۱۳

۳ـ اشرف زاده، رضا، براتی، ملوک، ۱۳۹۰، "آفرینش و گسترش تمدن از کیومرث تا جمشید در شاهنامه فردوسی"، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۳۰، ۱۳۵-۱۱۷

۴ـ بذرافکن، حمیرا (مهتا)، روحانی، علی، ۱۳۸۹، "بازنمای اجتماعی در شاهنامه فردوسی (بررسی سیر شکل گیری و دگرگونی جامعه ایرانی در شاهنامه فردوسی)"، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۱(۴)، ۷۲-۴۹

۵ـ تمیم دای، احمد، ۱۳۸۸، "تأثیر شاهنامه فردوسی بر آثار حماسی غرب"، نشریه متن پژوهی ادبی، ۱۳(۴۲)، ۸۵-۶۵

۶ـ توکلی اوجانی، آوا، توکلی اوجانی، نگار، ۱۳۹۴، "جایگاه و تأثیر شاهنامه فردوسی بر سایر تمدن ها"، دهمین همایش بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، ۴(۶)، ۸۴۹-۸۴۱

۷ـ خالقی مطلق، جلال، ۱۳۸۸، "حافظ و حماسه ملی ایران، به کوشش مهناز مقدسی و هومن عباسپور"، جای پای سال ها، تهران، همیشه

۸ـ دهقانی قلعه سرخ، رویا، ۱۴۰۳، "شناخت هویت ملی در شاهنامه فردوسی"، هشتمین همایش بین المللی زبان و ادبیات فارسی،

۹ـ رازنهان، دکتر محمدحسن، رستمی، محسن، ۱۳۹۷، "شاهنامه الهام بخش وحدت ایرانیان در طول تاریخ"، سومین کنفرانس بین المللی شرق شناسی- فردوسی و فرهنگ و ادب پارسی

۱۰ـ ستوه، آزاده، مرادی، سارا، نامداری، گلشن، ۱۴۰۲، "بررسی نقش شاهنامه در فرهنگ و هویت ملی"، دهمین کنفرانس بیت المللی زبان، ادبیات، تاریخ و تمدن

۱۱ـ "شاهنامه فردوسی"

۱۲ـ "کهن نامه ادب پارسی"، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره ۲، ۱۳-۱

۱۳ـ گیلانی، نجم الدین، ۱۳۹۸، "بازتاب فرهنگ ایران باستان در دوره غوریان بر اساس شاهنامه فردوسی"، نشریه جستارهای نوین ادبی، ۵۲(۳(۲۰۶))، ۱۴۸-۱۲۷

۱۴ـ محرمی، رامین، پورالخاص، شکر الله، شریفی، شهلا، ۱۳۹۵، "تبلور مفهوم ایران در شاهنامه فردوسی: امتزاج عقلانیت و عشق در هویت ایرانی"، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۷(۲)، ۴۰-۲۳

۱۵ـ میرزایی، بنفشه، ۱۳۹۱، "تأثیر شاهنامه فردوسی بر نقوش سفال های دوره سلجوقی"، نشریه نقش مایه، ۵(۱۰)، ۱۰۲-۹۵

۱۶ـ نواب زاده شفیعی، سپیده، ۱۳۹۸، "شاهنامه فردوسی حماسه ملی و افسانه قرون ویکتور هوگو حماسه ای مصنوع"، هشتمین همایش ملی متن پژوهی ادبی، نگاهی تازه به متون حماسی

۱۷ـ نوذزی، علی، قره بگلو، سعیدالله، ۱۳۹۳، "خوش باد نوشین ایران زمین (جلوه های مهر ایرانی در شاهنامه فردوسی)"، فصلنامه علمی- پژوهشی ادبیات فارسی، ۱۱(۲۷)، ۱۷۶-۱۵۵

۱۸ـ وجدانی، فریده، ۱۴۰۱، "فرضیه « باور به تأثیر بیان سخن در به حقیقت پیوستن آن» در فرهنگ ایرانی با تکیه بر شاهنامه فردوسی"، فصلنامه علمی متن شناسی ادب فارسی، ۱۴(۱(پیاپی۵۳))، ۷۲-۵۵

۱۹ـ هادوی، امین، ۱۴۰۳، "شاهنامه و تأثیر آن بر ادبیات فارسی بعد فردوسی"، سومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه

۲۰ـ یوسفی، علی، هاشمی، سید محمدرضا، بستان، زهرا، ۱۳۹۱، "تحلیل گفتمان انتقادی هویت ایرانی در شاهنامه فردوسی"، نشریه جامعه شناسی تاریخی، ۴(۲)، ۱۷۲-۱۴۵

۲۱ـ یوسفی، علی، هاشمی، سید محمدرضا، صدیق اورعی، غلامرضا، بستان، زهرا، ۱۳۹۱، "تحلیل محتوای هویت ایرانی در داستان سیاوش شاهنامه فردوسی"، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳(۱)، ۱۰۹-۸۷